

DOR: 20.1001.1.26455714.1402.7.2.2.8

A temporal and simultaneous semantic analysis of the symbolic meanings of the names of animals in the Holy Quran

(Received:2023-01-07 Accepted:2023-05-27)

Hasan Esmailzade¹, Kadijeh Zarei², Vahid Vakili³

Abstract

Today, in linguistic studies in the field of word meaning, there are two types of attitudes: the first attitude is the in-time attitude; Which means examining the meaning of words historically, and the second attitude: is a contemporary attitude; That is, examining the meaning of words regardless of history and examining the semantic relationships between them, including semantic relationship, semantic inclusion, opposition, linear order relationship, and causal relationship. In the Holy Qur'an, some words have gone out of their cultural and lexical meaning and have found a mystical meaning, and this type is often found in words that are used for tangible phenomena and natural beings. The present essay examines the symbolic meaning of the names of animals in the Holy Quran with a descriptive-analytical approach based on the knowledge of temporal and simultaneous semantics. The results of the research show that often these words have kept their symbolic meaning in the texts before the revelation of the Qur'an and the texts of the Islamic period, and in the Holy Qur'an, they appear by the structure of the verses, and based on the knowledge of temporal semantics, between the words It contains symbolic meanings, there is a type of semantic inclusion relationship, causal relationship, linear order relationship, and verbal opposition.

Keywords: Semantic, Code, Diachroni, Simultaneity, Meaning of animal names.

سال هفتم

شماره دوم

پایه: ۱۳

پاییز و زمستان

۱۴۰۲

1) Arabic Language and Literature, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran. (The Corresponding Author) Email: ac.esmailzadeh@azaruniv.ac.ir

2) Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorram Abad, Iran. Email: kadijeh_zarei94@ yahoo.com

3) Arabic Language and Literature, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran. Email: Vahid Vakili@gmail.com



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

واکوی معناشناختی در زمانی و هم‌زمانی دلالت‌های رمزی اسامی حیوانات در قرآن کریم

(تاریخ دریافت: ۱۷-۱۰-۱۴۰۱ تاریخ پذیرش: ۰۶-۰۳-۱۴۰۲)

حسن اسماعیل زاده^۱
خدیجه زارعی^۲
وحید وکیلی^۳

چکیده

امروزه در مطالعات زبان‌شناسی و در حوزه‌ی معنای واژه، دو نوع نگرش وجود دارد: نگرش اول، نگرش در زمانی است؛ یعنی بررسی معنای واژگان بصورت تاریخی و نگرش دوم: نگرش هم‌زمانی است؛ یعنی بررسی معنای واژگان بدون توجه به تاریخ و بررسی روابط معنایی میان آن‌ها از جمله رابطه معنایی، شمول معنایی، تقابل، رابطه ترتیب خطی و رابطه‌ی علیّی. در قرآن کریم برخی الفاظ از معنای فرهنگی و معجمی خود خارج شده و معنایی رمزگونه یافته‌اند و غالباً این نوع معنا، در واژگانی است که برای ظواهر محسوس و موجودات طبیعی بکار رفته‌اند. جستار حاضر با رهیافتی توصیفی-تحلیلی و براساس دانش معناشناسی در زمانی و هم‌زمانی به بررسی دلالت رمزی اسامی حیوانات در قرآن کریم می‌پردازد. نتایج پژوهش بیانگر آن است که غالباً این واژگان، دلالت رمزی خود را در متون پیش از نزول قرآن و متون دوره‌ی اسلام حفظ کرده و در قرآن کریم متناسب با ساختار آیات آمده‌اند و براساس دانش معناشناسی در زمانی، میان واژگان حاوی دلالت‌های رمزی، یک نوع رابطه‌ی شمول معنایی، رابطه‌ی علیّی، رابطه‌ی ترتیب خطی و تقابل لفظی وجود دارد.

واژگان کلیدی: معناشناختی، رمز، در زمانی، هم‌زمانی، دلالت اسامی حیوانات.

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران، نویسنده مسئول، ایمیل: ac.esmailzadeh@azaruniv.ac.ir
 ۲) دانشجوی مقطع دکتری رشته زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران، ایمیل: kadijeh_zarei94@yahoo.com
 ۳) دانشجوی مقطع دکتری رشته زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران، ایمیل: Vahid Vakili@gmail.com

۱. مقدمه

بر اساس نظریه سمبلیک بودن زبان قرآن، این زبان نه عرفی و نه مستقیم و صریح است؛ بلکه بصورت رمز و اشاره است. به عبارتی دیگر؛ مقصود، معنایی که از ظاهر عبارت‌های آن فهمیده می‌شود، نیست؛ بلکه این نماد رمزی برای حقایقی است که آن را جزء به زبان غیر مستقیم (رمزی) نمی‌توان بیان کرد. «نکته‌ای که در این زمینه نباید مورد غفلت قرار گیرد، این است که نه می‌توان قائل به رمزی بودن برخی از واژگان قرآن شد و نه هر بیانی را می‌توان رمز و نمادی برای بیان معنای حقیقی دانست.» (قاسم آرانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۱) می‌توان میان نماد و رمز با وجود شباهت در عدم صراحت، تفاوت بنیادی قائل شد؛ از این روی که در نماد، اتصال دال بر مدلول بر اساس معنا یا معانی مدلول، تثبیت و مشخص شده است؛ مانند استعاره و مجاز که وجود قرینه‌ای، معنا را مشخص می‌کند، در حالیکه در رمز «اتصال دال و مدلول به وساطت اصل یا مصدر معنا بخش متعالی صورت می‌گیرد»؛ بدین معنا که در نماد برخلاف رمز، علامت به دلخواه تعیین نمی‌شود و معنایی که باید از راه نمایش و تصویرسازی القا گردد، در آن نهفته است. تفاوت دیگر آنکه نماد، عملکرد عقلانی دارد و فاقد هر گونه هستی یا وجود کلی است، در صورتی که رمز بازتاب معرفت وجود بالاتری است که جوهره‌اش با چیزی که نمادین شده، یکی گردیده است. (بهروزی، ۱۳۹۷: ۱۰۶)

معناشناسی تاریخی (Diachroni) یا در زمانی، شاخه‌ای از زبان‌شناسی است که به بررسی در مورد تغییر زبان می‌پردازد. پژوهش در این زمینه نیز هم با توصیف تغییر زبان سر و کار دارد و هم با عواملی که این تغییر را ایجاد و آن را محدود می‌کنند. «معناشناسی تاریخی می‌کوشد صورت‌های قدیمی‌تر و نیز قواعد تحولی پدیدآورنده صورت‌های جدید را مشخص کند. مقصود از مطالعه معناشناختی تاریخی این است که به معنای واژگان یک زمان بصورت تاریخی نگریسته شود و سیر تحول ویژگی‌های آن بصورت تاریخی مورد بررسی قرار گیرد.» (صفوی، ۱۳۳۵: ۲۹) بر اساس معناشناسی تاریخی می‌توان دلالت رمزی حیوانات را در متون مختلف درک کرد؛ چرا که دلالت رمزی حیوانات در طول تاریخ معنای خود را حفظ کرده است.

اگر زبان‌شناسی به بررسی واحدهای نظام زبانی بدون توجه به عامل زبان پردازد، نگرش هم‌زمانی است. بطور کلی بحث در مورد زبان‌شناسی ایستا، بسیار مشکل‌تر از زبان‌شناسی تاریخی است؛ زیرا رویدادهای تحول‌پذیر، ملموس‌تر هستند و تحلیل انسان بیشتر به آن‌ها روی می‌آورد. «در زبان‌شناسی تاریخی، عناصر تاریخی، روابط مشهود عناصر پیاپی (در زمانی) را به یکدیگر پیوند می‌دهند که بدون هیچ زحمتی قابل تشخیص هستند.» (صفوی، ۱۳۸۲: ۱۴۶) «بر پایه زبان‌شناسی هم‌زمانی، بجای دنبال کردن تحول تاریخی، صورت‌های آوایی در یک زمان معین که بصورت یک نظام خاص با یکدیگر ارتباط دارند، بررسی می‌شود.» (مشکوة الدینی، ۱۳۷۶: ۷۴) با نگرش هم‌زمانی در متن می‌توان گفت غالباً واژگان نه تنها در

معنای حقیقی دارای انواع روابط معنایی هستند بلکه در معنای رمزی خود نیز دارای انواع روابط مفهومی می‌باشند.

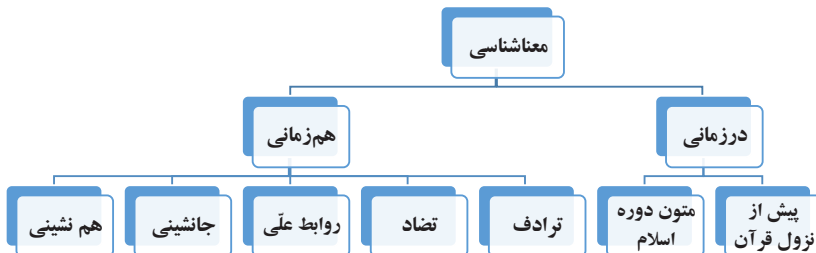
۱.۱. اهداف پژوهش

با توجه به اینکه در قرآن کریم، برخی واژگان معنای رمزی دارند؛ برای درک بهتر آیات دربرگیرنده این واژگان، ضرورت دارد معنای واژگانی که دارای دلالت رمزی هستند، رمزگشایی گردد و کشف لایه‌های پنهان این آیات مستلزم کشف روابط میان واژگان مذکور در ساختار آیات است. هدف از انجام این پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی انجام می‌گیرد، بررسی لایه‌های پنهان دلالت رمزی واژگان در حوزه‌ی اسامی حیوانات در قرآن کریم و واکاوی زبان‌شناسانه‌ی این دلالت‌ها است.

۲.۱. بیان مسأله و سؤالات پژوهش

زبان قرآن، زبان رمز است و واژگانی که در قرآن کریم برای موجودات طبیعی یا ظواهر محسوس بکار رفته‌اند، معنای آن‌ها بطور سطحی درک نخواهد شد؛ بلکه درک معنای واقعی آن‌ها مستلزم درک معنای رمزی آن‌ها است و درک معنای رمزی این کلمات مستلزم رجوع به متون گوناگون یا به عبارتی دیگر؛ بررسی در زمانی و هم‌زمانی معنای رمزی این واژگان و تطبیق آن‌ها با متن خود قرآن است؛ یعنی باید به معنای گوناگون کلمات در متون مختلف توجه شود تا به معنای رمزی آن‌ها در قرآن کریم پی برده شود. واژگان بکار رفته در قرآن کریم صرفاً نشان‌دهنده‌ی رمز نیستند؛ بلکه این واژگان در ورای معنای رمزی خود، دارای یک نوع رابطه‌ی زبان‌شناسانه‌ی قوی نیز با یکدیگر هستند که این امر، انسجام قرآن کریم را حتی از لحاظ معنای رمزی نشان می‌دهد. همچنین پی بردن به معنای رمزی واژگان در قرآن کریم مستلزم توجه به سیاق آیات و نیز مستلزم توجه به روابط مفهومی کلمات در آن آیه است. غالباً آیه‌ای که در آن واژگان دارای دلالت رمزی، روابط مفهومی با ما قبل خود دارند. رمزگان این حیوانات در شعر جاهلی و دوران اسلام و پس از اسلام، از وسایل لازم و ضروری برای زندگی انسان بودند و معنای رمزی آن‌ها در طول سالیان سال باقی مانده است.

نمودار شماره ۱: معناشناسی



نظام رمزگان

واقعیت بیرونی معنا

جستار حاضر ابتدا دلالت‌های رمزی را به روش در زمانی در متون پیش از نزول قرآن و دوره‌ی اسلام بررسی می‌کند سپس با بکارگیری رویکرد هم‌زمانی، دلالت رمزی این واژگان را از لحاظ شمول معنایی، رابطه ترتیب خطی، رابطه علی، تقابل و ترادف و رابطه‌ی جانشینی و هم‌نشینی مورد واکاوی قرار می‌دهد و درصدد پاسخ به سؤالات زیر است.

- آیا می‌توان با کمک مبحث دلالت‌ها؛ از جمله دلالت رمزی، پایان‌ناپذیری معانی قرآن و تعدد لایه‌های دلالتی آن را تبیین نمود؟

- دلالت‌های بکار رفته در قرآن کریم در متون پیش از آن، به چه معنایی بکار رفته‌اند؟

- دلالت‌های رمزی قرآن کریم در متون دوره‌ی اسلام چگونه معنای دلالتی خود را حفظ کرده‌اند؟

۳.۱. پیشینه پژوهش

تحقیق در مورد حیوانات و دلالت نمادین آن‌ها، موضوع شناخته‌شده‌ای است و پژوهش‌های متعددی در مورد آن در قرآن کریم به رشته‌ی تحریر درآمده است که در ادامه به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود:

هدایت رشیدی، (۱۳۹۲) در مقاله‌ی خود با عنوان «نمادهای جانداران در قرآن کریم»، سعی نموده است که براساس آیات قرآن کریم و روایت‌های اهل بیت، نمادها و نشانه‌های جانداران را تأویل نموده و معانی آن‌ها را از دیدگاه گوناگون فریقین بررسی کند.

آزاده شریفی مقدم، فاطمه زهرا نظری رباطی (۱۳۹۷) در مقاله خود با عنوان «مقایسه نقش معنایی حیوانات در کتب آسمانی قرآن کریم انجیل متی، یوحنا با تأکید بر دلالت و موضوعیت» به بررسی نام‌واژه‌های این حوزه معنایی به لحاظ فراوانی، نوع و دلالت معنایی و نیز موضوعیت می‌پردازند. نتایج حاصل از بررسی این دسته از نام‌واژه‌ها بیانگر شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در زمینه‌های مورد بررسی است؛ از جمله شباهت‌ها می‌توان به فراوانی دلالت‌های دارای مشخصات «ارجاعی»، «عام»، «ثابت»، «صریح» و نیز کاربرد موضوعات حیوانات در آیات حاوی «راهنماشناسی»، «راه‌شناسی» و «انسان‌شناسی» در هر سه متن اشاره کرد. از تفاوت‌ها نیز می‌توان به گستردگی و تنوع موضوعی بیشتر در قرآن کریم نسبت به دو پیکره متی و یوحنا اشاره کرد.

محمود مهرآوران، مهدی اسلامی (۱۴۰۱) در مقاله خود با عنوان «بازنمایی تمثیل «بیت عنکبوت» در متون ادبی فارسی» در این تحلیل، داده‌های تحقیق با توجه به کارکرد اصلی، دسته‌بندی شده و به کارگیری عنکبوت در نقش‌های نمادین مشبه به حضور در فرهنگ عامه و نجوم بررسی شده است و نتایج پژوهش مبین آن است که عنکبوت در بیان شاعران هم جنبه مثبت دارد هم منفی؛ در جنبه مثبت عنکبوت مشبه نماد راز پوشی و تلاش برای رزق است و در جنبه منفی، عنکبوت نماد سستی، ناتوانی و حقارت در مظهر دنیا و تعلقات آن است.

نادیا وارمیلی (۱۳۹۸) در مقاله خود با عنوان «نام‌شناسی حیوانات در قرآن کریم: کاربرد واژه شتر و خوک در آیات قرآن کریم» به روش توصیفی و تحلیلی به بررسی معانی خوک و شتر می‌پردازد که هدف از این پژوهش عوامل کاربرد شتر و خوک در آیات حاوی نام آن دو به لحاظ معنایی و موضوعیت است، یافته‌های این پژوهش مبین آن است که به همان اندازه که شتر در قرآن و در میان اعراب از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود و به دفعات با نام‌های مختلف از این حیوان در قرآن کریم اشاره شده است، در مقابل از خوک به پلیدی و نجاست با یک نام «الخنزیر» یاد شده است.

هدی آیت (۱۳۹۵) در مقاله خود با عنوان «تأملی در خلقت شتر از دید قرآن و علم»، با بررسی اجمالی یافته‌های علمی، جلوه‌های دیگری از شگفتی‌های خاص این موجود مشخص کرده و تا حدودی توانسته علت و اهمیت آن را از دید قرآن نشان دهد.

یحیی معروف (۱۳۸۴) در مقاله خود با عنوان «شتر در قرآن و ادب عربی (عصر جاهلی)» سعی کرده است امتیاز شتر بر دیگر حیوانات را در معرض قضاوت همگان قرار دهد و با معرفی گوشه‌ای از اسرار این حیوان به اهمیت ذکر آن در قرآن و ادب عربی پرداخته است. علاوه بر آن، این حیوان، حضوری قوی و فعال در نظم و نثر (خصوصاً عصر جاهلی)، امثال و واژه‌گزینی عربی دارد.

با وجود پژوهش‌های مذکور، تاکنون اثری مستقل که به بررسی سیر تحولات دلالت رمزی حیوانات در قرآن کریم به صورت در زمانی و هم زمانی در قرآن کریم پرداخته باشد، یافت نشده است. تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش‌های دیگری که در حوزه اسامی حیوانات و دلالت‌های نمادین آن‌ها نوشته شده، در این است که در این تحقیق ضمن توجه به دلالت رمزی واژگان در متون قبل از اسلام و دوره اسلام به روابط معنایی یعنی ترتیب خطی و رابطه علی و تقابل و ترادف بین آن‌ها و رابطه هم نشینی و جانشینی آن‌ها نیز پرداخته است. بنابراین جای خالی پژوهشی مستقل در این زمینه، ضروری به نظر می‌رسد.

۲. بررسی در زمانی دلالت رمزی اسامی حیوانات در قرآن کریم

غالباً واژگانی که دارای دلالت رمزی هستند، در متون و اشعار جاهلی پیش از دوره‌ی

اسلام نیز همان معنای رمزی را دارند که در متن قرآن نیز به کار رفته‌اند. «بررسی در زمانی دارای دو دورنما است: جریان پیش‌نگری که جریان زبان را دنبال می‌کند و جریان پس‌نگری که به زمان عقب باز می‌گردد. دورنمای پیش‌نگری به شرح و حکایت‌های ساده می‌انجامد که سراسر بر نقد منابع و اسناد استوار است؛ حال آنکه دورنمای پس‌نگری مستلزم روش بازسازی مقایسه‌ی زبان‌های بنیان می‌باشد.» (صفوی، ۱۳۹۸: ۳۱۹) در جستار حاضر از بُعد پس‌نگری به دلالت رمزی اسامی حیوانات در قرآن کریم پرداخته می‌شود.

۲. ۱. غراب

کلاغ در فرهنگ‌های مختلف، به دلیل رنگ سیاهش نماد بدبینی و نحس و خبر ناگوار است و جزو پرندگانی است که محبوب نیست. گفته می‌شود «حضرت نوح کلاغ را برای یافتن خشکی مامور کرد بعد از مدتی دید که کلاغ ماموریت خود را رها کرده و مشغول خوردن از لاشه‌ای مردار است که باعث شد حضرت نوح کلاغ را نفرین کند و رنگ پره‌های آن از سفید به سیاه تغییر کرد.» (العنتیل، ۱۹۶۵: ۱۱۳) همانگونه که در آیه ۳۱ سوره مائده دیده می‌شود: ﴿فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوَارِي سَوْءَةَ أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتَا أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُوَارِي سَوْءَةَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ﴾ (مائده/۳۱) این واژه به عنوان رمزی برای عزا و غم بکار رفته؛ همچنانکه در دوره‌ی پیش از نزول قرآن نیز به همین معنا بوده است. در آیه ۳۱ مائده «غراب» به عنوان رمزی برای بدبختی آمده است که با تصویر سازی این آیه در ذهن و سیاق آن مشخص خواهد شد که با توجه اینکه داستان مرگ و چگونه دفن کردن قایبل در این آیه ذکر شده است پس «غراب» نشان از حزن و اندوه و فراق است، همانگونه که در بیت ذیل، ابتدا شاعر از جدایی سخن گفته است سپس به غراب اشاره کرده است، پس «غراب» در متون قبل از اسلام و قرآن کریم غالباً به معنای جدایی و حزن است، پس اگر به سیاق و داستان‌ها یا موضوعات آیات توجه نشود، درک معنای رمزی آن‌ها امکان‌پذیر نخواهد بود. همچنین رابطه تسلسل منطقی که ابتدا در مورد یک موضوع حزن انگیز سخن گفته می‌شود سپس کلمه دارای دلالت رمزی ذکر می‌شود، نیز نقش بسزایی در انسجام‌بخشی و پی‌بردن به این موضوع که این کلمات دارای دلالت رمزی بدبختی است، داشته است و این رابطه مفهومی کلمات دارای دلالت رمزی با قبل را نشان می‌دهد. نمونه‌ای از این متون، بیت شعری از اعشی شاعر دوره جاهلی است که صدای کلاغ را نماد فراق یار و ناخوشایند می‌داند:

إِنِّي أَخَافُ الصَّرْمَ مِنْ هَا أَوْ شَجِيعِ غُرَابِهَا

(الاعشى، ۲۰۱۲: ۲۵۳)

۲. ۲. الخنزير

همانگونه که پیش‌تر گفته شد زبان‌شناسی داری دو دورنما است: پیش‌نگری و پس‌نگری؛

در زبان‌شناسی پس‌نگری که سعی می‌کند از متون گوناگون برای پی‌بردن به معنای واژگان استفاده کند، در تحلیل معنای رمزی کلمه «خنزیر» می‌توان چنین گفت: در ادیانی که برای ایرانیان آشنا هستند (جز دین زرتشتی)، خوک، حیوانی پلید و بی‌ارزش است، چنانکه در این متون مشاهده می‌شود: «زیبایی زن نادان، مثل حلقه‌ی طلا در پوزه‌ی خوک است.» (تورات، امثال سلیمان، ۱۱: ۲۲) «لکن معنی مثل حقیقتی بر ایشان راست آمد که سگ به قی خود رجوع کرده است و خنزیر شسته شده، به غلطیدن در گل.» (انجیل، نامه دوم پطرس، ۲: ۲۲) در آیه ۱۱۵ سوره‌ی نحل ﴿إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنزِيرِ وَمَا أَهَلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (نحل/۱۱۵) نیز «خنزیر» به معنای رمزی ناپاکی و کثافت آمده است و در جاهایی دیگر از قرآن نیز واژه‌ی «خنزیر» سه بار دیگر ذکر شده است که در همه‌ی آن‌ها باز هم معنای رمزی زشتی و ناپاکی دارد؛ خنزیر در آیه ۳ سوره مائده، آیه ۱۷۳ سوره بقره، آیه ۱۴۵ سوره انعام و آیه ۱۱۵ سوره نحل، رمزی برای ناپاکی است. تکرار آیاتی که در آن‌ها معنای رمزی کلمات در آن یکسان است تناسب و پیوستگی و حفظ دلالت‌های رمزی آیات در زمان‌های مختلف نزول را نشان می‌دهد، پس این چنین می‌توان گفت دلالت رمزی کلمات نه تنها در زمان‌های مختلف حفظ شده است بلکه در زمان‌های مختلف نزول قرآن حفظ شده است، رابطه هم معنایی و رابطه جزء و کل که هم آیات در آن‌ها به صورت تسلسل منطقی به معنای زشتی و ناپاکی به کار رفته‌اند به خواننده کمک می‌کند که بدانند این واژگان رمزی برای ناپاکی و زشتی‌اند بنابراین نه تنها سیاق بلکه روابط مفهومی بین کلمات کمک زیادی به درک معنای رمزی آیات خواهد کرد، همانگونه که در آیه ۱۱۵ نحل آمده است، همه واژگان «الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنزِيرِ» به معنای ناپاکی هستند و همه آن‌ها به حرام برمی‌گردند و در اسلام آمده است که چیزهای ناپاک حرام هستند.

۲.۳. الإبل_الجمل

شتر با الفاظ گوناگون در قرآن کریم آمده است؛ از جمله «الإبل» و «الجمل»، جمل در لغت به معنای شتری است که دو گونه است یکی کوهان‌دار و دیگری بی‌کوهان اما «الإبل» که جمع آن «أبال» است به معنای شتران می‌باشد. همانگونه که این دو لفظ در معنای معجمی خود متفاوت هستند، در معنای رمزی خود نیز تفاوت دارند. «شتر نشانه‌ی بالندگی، باروری، محبت و خشونت است. این حیوان با استقامت برای تداوم زندگی تلاش می‌کند و با تکیه بر قدرت و توانایی، صبر و استقامت، راه سفر را در پیش می‌برد.» (افخمی عقدا، ۱۳۹۰: ۲۵۸) در آیه‌ی ۱۷ سوره‌ی غاشیة ﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ﴾ (غاشیة/۱۷)، «الإبل» رمز استقامت است و به قدرت خداوند اشاره دارد. شتر در شعر جاهلی به عنوان نماد استقامت و صبر بکار می‌رود، شتری که در بیابان‌های گوناگون راه می‌رود. از همین روی؛ شاعران جاهلی تصویرهای متفاوتی را که الهام گرفته از واقعیت آن زمان است، بکار برده‌اند

و بوسیله‌ی آن‌ها استقامت این حیوان را به تصویر کشیده‌اند. «جمل» در آیه‌ی ۴۰ سوره اعراف: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفْتُحُ لَهُمُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ﴾ (اعراف/۴۰). الجمل در اینجا در معنای رمزی استکبار و لجاجت کافران و وارد نشدن و محال بودن است رابطه ترتیب خطی و تسلسل منطقی که نشان می‌دهد که دلیل قطع نزولات خداوند از آسمان، کفر آنان است و دلیل وارد نشدن آن‌ها به بهشت، همین روی برگردانی خداوند از آنان به سبب کفرشان می‌باشد و تشبیه به آن چیزی که محال است را می‌توان دلیلی دانست بر اینکه «الجمل» در اینجا به معنای رمزی محال بودن است و محالی که از تکبر و کفر کافران می‌آید.

۳. بررسی هم‌زمانی واژگان دارای دلالت رمزی در قرآن کریم

گاهی فارغ از پیگیری تحول تاریخی صورت‌های آوایی معانی، صورت‌ها و معانی موجود در یک زمان بخصوص که شکل نظام‌مند و خاص به خود گرفته‌اند، بررسی می‌شوند. در زبان‌شناختی اگر به بررسی واحدهای نظام زبانی بدون توجه به عامل زبان پرداخته شود، نگرش هم‌زمانی است. مجموعه مدلولات یک نظام متنی، کارکردهای نشانه‌شناختی گسترده‌ای را بوجود می‌آورند که نه تنها با یکدیگر ارتباط دارند؛ بلکه در مواردی اشتراک نیز پیدا می‌کنند. توصیف ایدئولوژیک نیز تنها بر همین اساس به عنوان یک توصیف کلی و مشترک برای همه‌ی نظام‌های هم‌زمان، قابل پیش بینی است. (بارت، ۱۳۷۰: ۶۱) مطالعه معناشناختی هم‌زمانی بدین معنا است که معنای واژگان یک زمان در برهه‌ای خاص و بدون توجه به تاریخ آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. (صانعی پور، ۱۳۹۵: ۱۶۳) در زبان‌شناختی اگر به بررسی واحدهای نظام زبانی بدون توجه به عامل زبان پرداخته شود، نگرش هم‌زمانی است. (صفوی، ۱۳۳۵: ۲۸)

بطور کلی؛ بحث درباره‌ی زبان‌شناسی ایستا بسیار مشکل‌تر از زبان‌شناسی تاریخی است؛ زیرا رویدادهای تحولی ملموس‌تر هستند و تخیل انسان بیشتر بدان روی می‌آورد. «در زبان‌شناسی تاریخی، روابط مشهود، عناصری پیاپی (در زمان) را به یکدیگر پیوند می‌دهند که بدون هیچ زحمتی قابل تشخیص هستند.» (صفوی، ۱۳۸۲: ۱۴۶)

در ادامه، پس از بررسی هم‌زمانی ساختار آیاتی که در آن‌ها اسم حیوان آمده است، به بررسی در زمانی دلالت رمزی واژگان در متون دوره‌ی اسلام پرداخته می‌شود.

۳.۱. بعوضه

در آیه‌ی ۲۶ سوره بقره ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةٌ فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ﴾ (بقره/۲۶) «بعوضه» (پشه) در معنای رمزی بی‌ارزش

بودن است، در خطبه ۱۸۶ نهج البلاغه «وَلَوْ اجْتَمَعَ جَمِيعُ حَيَوَانِهَا مِنْ طَيْرِهَا وَبَهَائِمِهَا وَ مَا كَانَ مِنْ مُرَاحِهَا وَ سَائِمِهَا وَ أَصْنَافِ أَسْنَآخِهَا وَ أَجْنَآسِهَا وَ مُتَبَلِّدَةِ أُمَّهَآ وَ أَكْيَآسِهَا عَلَي إِحْدَآثِ بَعْوُضَةٍ مَا قَدَّرَتْ عَلَي إِحْدَآثِهَا، وَ لَا عَرَفَتْ كَيْفَ السَّبِيلِ إِلَى إِيجَادِهَا وَ لَتَحَيَّرَتْ عُقُولُهَا فِي عِلْمِ ذَلِكَ» (خطبه ۸۶) نیز در معنای رمزی خود؛ یعنی حقارت و ناتوانی کافران در آفرینش یک چیز بی ارزش، بکار رفته است. بنابراین میان معنای رمزی کلمه و ساختار کلی آیه یک نوع شباهت وجود دارد. به عبارتی دیگر؛ در معنای رمزی آن کافران به یک چیز بی ارزش و حقیر تشبیه شده‌اند. در یک تعبیر بینامتنی، بکار رفتن واژه‌ی «بعوضه» در متن قرآن و نهج البلاغه نشان دهنده‌ی این مسئله است که این واژه در هر دو متن نه تنها معنای رمزی خود را حفظ کرده؛ بلکه در ساختاری مشابه در هر دو متن نیز بکار رفته است. بنابراین در یک تعبیر هم‌زمانی از لحاظ بررسی واژگانی در متون دوره‌ی اسلام مشاهده می‌گردد که معنای رمزی کلمات در ساختارهای مشابه، تغییر نمی‌کند بلکه دلالت رمزی آنها ثابت است فقط واژگان دارای دلالت رمزی مختلفی هستند که در هر سیاق دارای دلالت رمزی مخصوص به همان سیاق هستند.

۲.۳. فراش

در مورد آیه‌ی ۱۴ سوره قارعه ﴿يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ﴾ (قارعه/۱۴) در تفسیر نمونه آمده است که «فراش» جمع «فراشه» است. مفسران آن را به معنای پروانه می‌دانند و برخی نیز آن را به معنای ملخ تفسیر کرده‌اند. اصطلاح سیاق از اصول مهم تفسیر قرآن کریم است که از آن به عنوان اسلوب سخن، طرز جمله‌بندی عبارت‌ها و نظم خاص سخن یا روند آن یاد می‌شود. حجت دلالت سیاق و اصل قرینه بودن آن یکی از اصول عقلانی و محاوره‌ای است که هم‌ی زبان‌ها بدان توجه می‌کنند. (ستوده‌نیا و همکار، ۱۳۹۱: ۳) و این سیاق آیه‌ی ۴ سوره قارعه و بیت مذکور است که معنای رمزی کلمه «فراش» را مشخص می‌نماید. به هر حال تشبیه به پروانه به سبب آن است که پروانه‌ها معمولاً خود را دیوانه‌وار به آتش می‌افکنند و می‌سوزانند؛ همانگونه که بدهکاران نیز خود را به آتش جهنم می‌افکنند. این احتمال نیز وجود دارد که تشبیه به پروانه اشاره به حیرت و سرگردانی که آن روز بر همه‌ی انسان‌ها مستولی می‌گردد، نیز باشد. اگر فراشه در این آیه به معنی ملخ باشد، تشبیه مذکور بدین سبب است که می‌گویند بسیاری از پرندگان به هنگام حرکت دست جمعی، در مسیر معینی پرواز می‌کنند؛ جز ملخ‌ها که در حرکت گروهی مسیری مشخص ندارند و هر کدام به سویی می‌روند. واژه‌ی «عهن» (بر وزن ذهن) به معنای پشم رنگ شده است. (آذرتاش و آذرنوش، ۱۳۸۸: ۴۶۶) و منقوش از ماده‌ی «نقش» به معنای گستراندن پشم است که معمولاً بوسیله‌ی ابزار مخصوص حلاجی زدن پشم، انجام می‌گیرد. بنابراین با توجه به تفسیر نمونه از قرآن کریم و نیز با توجه به معنای کلمات «عهن، منقوش و فراشه» در آیه ۴

سوره قارعه «فراش» رمزی است برای اضطراب و نگرانی. بکارگیری واژه‌ی «المبثوث» پس از «کالفراش» نیز به عنوان تأکیدی برای معنای مذکور آمده است در بیشتر آیات که اسامی حیوانات در آن‌ها به کار رفته است خداوند از یک تشبیه استفاده کرده است یعنی حال انسان را در شرایطی که در مورد آن سخن گفته است، بدان تشبیه کرده است که انسجام در ساختار آیات قرآن کریم را نشان می‌دهد و انسان تا به معنای رمزی آن‌ها پی نبرد، درک درستی از آن آیه نخواهد داشت. همچنین در بیت:

وَأَطِيشُ إِنْ جَالَسْتَهُ مِنْ فَرَاشَةٍ
وَأَثْقَلُ إِنْ عَاشَرْتَهُ مِنْ رَحَى الْبِزْرِ

(میدانی، ۹۵۵: ۱۵۷)

در اینجا بکارگیری واژه «اطیش» که به معنای سبک‌سری است و قرار گرفتن آن در برابر کلمه‌ی متضاد خود؛ یعنی «رحی البزر» که نشان از حرکت کند فراشه دارد، نیز رمزی برای اضطراب و نگرانی است.

۳.۳. الکل

سگ و حکم نجاست آن در جوامع اسلامی، یکی از مباحث اختلافی می‌باشد اما با استناد به آیات قرآن و به پشتوانه احادیث و روایات، نجاست سگ محرز است. علاوه بر صفت منفی نجس، سگ در باور عموم یک صف مثبت نیز دارد که آن صفت همان وفاداری آن است. همچنین «در باورهای دینی، سگ از حیوانات پلید است که باید از آن دامن برچید و فاصله گرفت؛ مگر اینکه آن را تعلیم دهند و زمام اختیار آن را در دست گیرند و به عنوان سگ چوپان یا نگهبان به خدمت انسان درآید و گرنه سگ ولگرد را که پیوسته در مزبله‌ها می‌گردد و مردار می‌خورد و برای مردم پارس می‌کند و با نور ماه هم سر ناسازگاری دارد، باید در لقمه‌اش سوزن نهاد و برای آزمون تیغ، سرش را برید.» (رحیمی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۵۴) سگ نفس نیز که هر دم به دنبال خواسته‌های خود است، رمزی برای بدزبانی و هرزه‌گویی‌های کافران است. اگر به نهج‌البلاغه یا اشعار دوره‌ی اسلام به عنوان یک تعبیر در زمانی مراجعه شود، مشاهده می‌گردد که این کلمه معنای دلالی خود را حفظ کرده است. همانگونه که پیش‌تر بیان شد، ساختار آیات قرآن کریم نشان می‌دهد که کدام کلمات دارای معنای رمزی هستند. به عنوان نمونه می‌توان به همین واژه‌ی «کلب» اشاره نمود که شش بار در قرآن کریم ذکر شده است اما این واژه فقط در آیه ۱۷۶ سوره اعراف ﴿وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمَلُ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرُكُهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصْ الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (اعراف/۱۷۶) معنای رمزی فحش و فضاحت دارد و در خطبه ۳۱ نهج‌البلاغه ﴿وَإِيَّاكَ أَنْ تَغْتَرَّ بِمَا تَرَى مِنْ إِخْلَادِ أَهْلِ الدُّنْيَا إِلَيْهَا وَتَكَالِبُهُمْ عَلَيْهَا، فَقَدْ نَبَّأَكَ اللَّهُ عَنْهَا وَنَعَتَتْ لَكَ نَفْسَهَا نَعْتٌ هِيَ لَكَ عَنْ نَفْسِهَا وَ تَكَشَّفَتْ لَكَ عَنْ مَسَاوِيهَا، فَإِنَّمَا أَهْلُهَا كِلَابٌ عَاوِيَةٌ وَ سِبَاعٌ ضَارِيَةٌ، يَهْرُ بِبَعْضِهَا عَلَى بَعْضٍ وَ

يَأْكُلُ عَزِيْزَهَا ذَلِيْلَهَا وَ يَفْهَرُ كَبِيْرَهَا صَغِيْرَهَا، نَعَمٌ مُّعَقَّلَةٌ وَ أُخْرَى مُهْمَلَةٌ، قَدْ أَضَلَّتْ عُقُوْلَهَا وَ رَكِبَتْ مَجْهُوْلَهَا، سُرُوْحٌ عَاهَةٌ بَوَادٍ وَعَثٌ، لَيْسَ لَهَا رَاعٌ يَّقِيْمُهَا وَ لَا مُسِيْمٌ يُسِيْمُهَا» (خطبه ۳۱) معنای رمزی فحش و هجا را حفظ کرده است. اما در آیه ۲۲ سوره كهف ﴿سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَنَامُهُمْ كَلْبُهُمْ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ﴾ (كهف/۲۲) معنای رمزی این واژه، فحش و بدزبانی نیست؛ بلکه به معنای حقیقی؛ یعنی «سگ» که می‌تواند رمزی برای پاکی و شرف نیز باشد، بکار رفته است. بنابراین توجه به ساختار آیات، یکی از پیش شرط‌های مهم برای پی بردن به معنای رمزی واژگان است، با توجه به بافت این سوره از قرآن کریم و داستان اصحاب كهف، سگ آن‌ها به عنوان رقیم؛ سگی وفادار بوده است بنابراین درک معنایی رمزی این واژه نیازمند توجه به شخصیت‌های داستانی است که در متن به کار رفته است؛ خواننده اگر به داستان و سیر منطقی حوادث در این داستان توجه کند، می‌تواند به این نکته پی ببرد که «کلب» در اینجا به معنای ناپاکی و پلیدی نیست.

۳.۴. العنكبوت

واژه‌ی عنكبوت که در قرآن کریم آمده است؛ رمزی برای سستی و ناستواری است. همچنین از زمان‌های گذشته، این حیوان در جایگاه جانوری ظریف‌باف و ماهر شناخته شده است. در قرآن کریم در وصف بیت کافران آمده است: ﴿مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعُنْكُبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعُنْكُبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾ (عنكبوت/۴۱) در عین حال «بیت‌العنكبوت» رمزی برای دام‌گستری و اسارت نیز است. بنابراین هم در کلام امام علی(ع) در نهج البلاغه و هم در آیه‌ی ۴۱ سوره عنكبوت، واژه‌ی مذکور دلالت بر ظریف‌باف بودن این موجود در ساختن خانه‌ی خود دارد و خداوند متعال با بکارگیری واژه‌های «عنكبوت و بیت» بصورتی رمزگونه به سستی خانه‌ی کافران اشاره می‌نماید. این سستی یادآور واقعیتی است که ظاهری وهم‌انگیز و فریبنده دارد. تشبیه به کسانی که غیر خدا را به دوستی گرفته‌اند، بدین خاطر است که از خانه عنكبوت سست و بی‌بنیان‌تر است. تکرار واژه مثل در هر دو بخش آیه یعنی تفاوتی بین آن‌ها از هیچ لحاظی وجود ندارد و ارتباط و همانندی بین آن‌ها را نشان می‌دهد.

۳.۵. البقر_الثور

واژه «بقر» در ۹ آیه از قرآن کریم آمده است که علاوه بر معنی لغوی، دلالت رمزی نیز دارند. لذا برای فهم بهتر و دقیق‌تر آیات، باید این دلالت‌ها هم مد نظر قرار گیرند. معانی نمادین گاو بطور کلی به دو نوع مثبت و منفی، تقسیم می‌گردد. معانی مثبت مانند: باروری، پایداری، ثروت، حاصلخیزی، خلاقیت، گرما، روشنایی خورشید و ... و معانی منفی مانند: بی‌عاطفگی، حماقت و غرور است. (رحیمی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۶۰) در قرآن کریم چندین

بار واژه‌ی گاو در سوره‌ی بقره و سوره‌های دیگر بکار رفته است مانند: ﴿وَمِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ قُلْ الذَّكْرَيْنِ حَرَّمَ أُمَّ الْأُنثَيَيْنِ أَمَا اسْتَمَلْتُ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثَيَيْنِ أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ﴾ (انعام/۱۴۴) در این آیه، واژه «بقر» رمزی برای پایداری است نکته قابل توجه برای درک دلالت رمزی در این آیه توجه به آیات ما قبل است که خداوند از هر حیوانی دو جفت را آفریده است تا آن‌ها پایدار بمانند و نماد حاصل‌خیزی و خلاقیت خداوند متعال است.

۴. رابطه میان دلالت‌های رمزی واژگان

۴.۱. رابطه‌ی شمول معنایی میان دلالت‌های رمزی واژگان

چنانچه یک مفهوم بتواند یک یا چند مفهوم دیگر را شامل شود، رابطه شمول معنایی مطرح می‌شود. این رابطه در واقع رابطه‌ی میان مفهوم و واژه‌های زیر شمول آن است. «واژه‌ای که مفهوم آن، واژه‌ی دیگری را در برگیرد، واژه‌ی شامل و واژه‌ای که بر مفاهیم تحت شمول دلالت کند، زیر شمول نامیده می‌شود.» (آهنگر و میکده، ۱۳۹۵: ۳۸)

﴿فَارْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالِدَّمَ آيَاتٍ مُّفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ﴾ (اعراف/۱۳۳)

در آیه‌ی ۱۳۳ سوره اعراف، واژه‌ی «الطوفان» در معنای رمزی خود دلالت بر نابودی دارد و «الجراد، القمل، الضفادع و الدم» در این آیه براساس معنای رمزی خود و طبق ساختار آیه، دلالت بر ویرانی دارند. بنابراین واژه‌ی «الطوفان»، واژه‌ی شامل و واژگان «الجراد، القمل، الضفادع و الدم» واژگان زیر شمول هستند.

۴.۲. رابطه علی میان دلالت‌های رمزی واژگان

برخی از واژگان در قرآن و البته در سایر متون، لازم و ملزوم یکدیگر هستند؛ در صورت حضور یک واژه، حضور دیگری حتمی است و به عبارتی دیگر حکم علت و معلولی نسبت به همدیگر پیدا می‌کنند. «مقصود از این نوع رابطه این است که دو واژه با هم بیابند؛ بگونه‌ای که یکی از آنها، علت و منشأ دیگری واقع شود.» (همان)

﴿قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ الْحُوتَ وَمَا أَنسَانِيهِ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا﴾ (کهف/۶۳)

در آیه ذکر شده از قرآن کریم، واژه‌ی «الحوت» رمزی برای حیات‌بخشی دوباره است. ساختار آیه نشان می‌دهد که میان واژگان پس و پیش واژه‌ی مذکور، رابطه‌ی معنایی سبب و نتیجه وجود دارد. به عبارتی دیگر؛ واژه‌های «صخره»، «دریا» و «ماهی»، لازم و ملزوم یکدیگر هستند و دریا سبب زنده شدن دوباره ماهی به اذن خداوند و نیز رمز وسعت و پهناوری است.

۳.۴. رابطه ترتیب خطی میان دلالت رمزی واژگان

رابطه ترتیب خطی میان دلالت رمزی واژگان به تبیین ارتباط میان واژه‌ها در طول دوره زمانی خاص که مستلزم حرکت در زمان است، می‌پردازد.

﴿وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ (نحل/۸)

در این آیه از قرآن کریم، واژه‌ی «الخیل» نماد اقتدار، «البغال» نماد مقاومت و «الحمیر» نماد حماقت و مقاومت است و خداوند متعال آن‌ها را مایه‌ی زینت قرار داده است. بنابراین در این آیه، شاهد ترتیب خطی کلمات دارای دلالت رمزی از لحاظ معنای رمزی هستیم.

۴.۴. ترادف میان دلالت‌های رمزی

از جمله پیوندهای مفهومی مورد توجه زبان‌شناسان، ترادف یا هم‌معنایی است که گروهی آن را انکار و گروهی دیگر آن را پذیرفته‌اند. «از جمله مخالفان ترادف می‌توان به «ابن اعرابی»، «ثعلبی» و «ابن فارس» و از جمله موافقان آن به «ابن جنی» و «ابوعلی فارسی» اشاره نمود. واژگان هم‌معنا از جمله ابزار پیوستگی و انسجام در متن به‌شمار می‌روند. کاربرد این روش در قرآن از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ زیرا بررسی میدان معناشناسی واژگان مترادف و نوع هم‌پوشانی آنها به فهم دقیق‌تر آیات و شناخت نظم اعجاز‌گونه ساختار و محتوای قرآن کمک می‌کند.» (ابراهیمی، ۱۳۹۸: ۲) یکی از معاصران تعریفی دقیق‌تر از ترادف ارائه داده است: «دو لفظ مفرد اصالتاً و بطور مستقل و به یک اعتبار و در یک محیط زبانی، به یک معنای حقیقی دلالت کند.» (پرچم و شاملی، ۱۳۸۹: ۳۹)

﴿مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتُرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ﴾ (مائده/۱۰۳)

واژه‌های «بحیره، سائبه، وصیله و حام»، نام شتران و گوسفندانی هستند که مشرکان در شرایطی خاص آزاد می‌کردند. در این آیه مشاهده می‌گردد که خداوند متعال با بکارگیری نام یا صفت یک حیوان از ذکر مستقیم اسم حیوان مذکور خودداری می‌کند. در اینجا این نام‌ها و صفات، رمزی برای نادانی و حماقت کافران هستند و میان آن‌ها در معنای رمزی با توجه به ساختار آیه، ترادف وجود دارد.

۵.۴. تقابل معنایی واژگان دارای دلالت رمزی

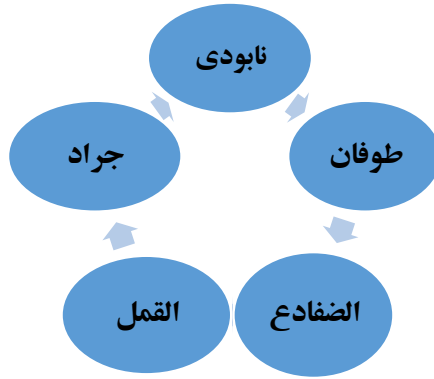
تقابل معنایی یکی از روابط مهم در زمینه معنی‌شناسی به ویژه در حوزه معناشناسی واژگان قرآنی است. «لاینز معتقد است: «تقابل‌های دوگانه یکی از مهم‌ترین اصول حاکم بر زبان هستند.» (سوسور) نیز تمایزات میان نشانه‌ها را مهم‌ترین تمایز آن‌ها می‌داند. تقابل‌ها یا ترادف‌ها نقش کاربردی خاصی دارند که همان دسته‌بندی است. (رومی یا کوبسن) معتقد است که واحدهای زبانی توسط نظامی از دوگانه‌ها به هم مربوط و محدود می‌شوند. این

تقابل‌ها در تولید، نقش بنیادی دارند: معنای تاریک وابسته به معنای «روشن» است «صور» جز در رابطه با محتوای قابل درک نیست. (پارسا، ۱۳۸۷: ۱۵۹) ﴿يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعُ عَجَافٍ وَسَبْعِ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابَسَاتٍ لَعَلِّي أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ (یوسف/۴۶) «تفاوت میان تقابل‌های دیجیتال و آنالوگ هم بسیار مهم است: تمایزهای دیجیتال مبتنی بر این یا آن هستند در حالیکه تمایزات آنالوگ مبتنی بر بیشتر یا کمتر می‌باشند، تقابل‌های آنالوگ برای موقعیت‌های میانه نیز جایی را در نظر گرفته‌اند حتی مقوله‌های سیاه و سفید را می‌توان طوری بازسازی کرد که سایه‌های خاکستری را نیز در خود داشته باشند.» (پارسا، ۱۳۸۷: ۱۶۰) در آیه ۴۶ سوره یوسف، عبارت «سنبلات خضر» دلالت بر سرسبزی و شادابی و «آخر یابسات»؛ یعنی خوشه‌های زرد شده‌ی گندم، دلالت بر ناراحتی و غم دارد. همانگونه که مشاهده می‌گردد در اینجا ابتدا عبارت «سنبلات خضر» که دلالت بر شادی دارد، سپس عبارت متقابل آن؛ یعنی «آخر یابسات» که دلالت بر غم و آندوه دارد، آمده است. از سویی دیگر؛ عبارت «بقرات سمان» به عنوان رمزی برای حاصلخیزی و عبارت «سبع عجاف» نیز به عنوان رمزی برای خشکسالی، در معنای رمزی دارای تقابل هستند. بنابراین این واژه‌ها نه تنها در معنای ظاهری در تقابل با یکدیگر می‌باشند؛ بلکه در معنای رمزی نیز تقابل دارند.

۴.۶. معناشناسی واژگان دارای دلالت رمزی بر محور هم‌نشینی و جانشینی

دو نوع پیوند، هم‌نشینی و جانشینی در زبان وجود دارد و نظام زبان در قالب این دو پیوند قرار می‌گیرد. نشانه‌ها به تنهایی نمی‌توانند پیام داشته باشند. اما بین نشانه‌ها دو پیوند هم‌نشینی و جانشینی وجود دارد. «واژه‌ی «با هم‌آیی» برگرفته از واژه‌ی لاتین «collocar» به معنای با هم قرار گرفتن است. اجزای تشکیل دهنده‌ی با هم‌آیی، هسته و وابسته، بصورت تصادفی با یکدیگر هم‌نشین نمی‌شوند؛ بلکه محدودیت‌هایی در این واژه‌ی هم‌نشین دخیل است؛ بگونه‌ای که هر هسته، جزء وابسته به خود را می‌طلبد که به وضوح معنایی آن ترکیب منجر می‌شود.» (آهنگر و میکده، ۱۳۹۵: ۳۷) در آیه‌ی ۱۳۳ سوره اعراف ﴿فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالِدَّمَ آيَاتٍ مُّفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ﴾ (اعراف/۱۳۳) میان واژه‌های «الطوفان، الجراد، القمل، الضفادع و الدم» که رمزی برای نابودی هستند با واژه‌های آیه‌ی ۱۹ سوره قمر: ﴿إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمٍ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ﴾ (قمر/۱۹)، نوعی رابطه‌ی جانشینی وجود دارد. در آیه‌ی ۱۹ سوره قمر، عبارت «أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ رِيحًا صَرْصَرًا» جانشین عبارت «أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ» شده و رمزی برای نابودی است.

نمودار شماره ۳: مثالی برای جانیشینی



در آیات ۶۸ تا ۷۱ سوره بقره، واژه‌ی «بقر» و «بقره» ۴ بار تکرار شده و هر بار ویژگی‌هایی از گاو بدان افزوده شده است که تکرار آن در آیات مذکور، نشان از لجاجت کافران و نادانی آن‌ها دارد. می‌توان چنین گفت که در اینجا، این واژگان رمزی برای نادانی و لجاجت قوم ستمکار هستند.

﴿قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا فَارِضٌ وَلَا بِكْرٌ عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ فافْعَلُوا مَا تُؤْمَرُونَ﴾ (بقره/۶۸)

﴿قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا لَوْثُهَا قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفَرَاءُ فَاقِعٌ لَوْثُهَا تَسُرُّ النَّاتِرِينَ﴾ (بقره/۶۹)

﴿قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ﴾ (بقره/۷۰)
 ﴿قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلِّمَةٌ لَا سِيَةَ فِيهَا قَالُوا الْآنَ جِئْتُ بِالْحَقِّ فَدَبِّحُوهَا﴾ (بقره/۷۱)

در جدول زیر اسامی حیواناتی که در قرآن کریم آمده، با ذکر سوره و شماره آیاتی که اسامی جانداران در آن‌ها ذکر شده، آورده شده است:

جدول شماره ۱: اسامی جانداران و رمز آنها در ساختار آیات قرآن کریم

| نام حیوان | نام سوره | نام آیه | رمز |
|-----------|----------|------------------|--------------------|
| بقره | بقره | ۶۷، ۷۱، ۱۴۴، ۱۴۶ | حماقت، حزن و اندوه |
| بقره | بقره | انعام | ماندگاری |
| سبع سمان | یوسف | ۴۳ | حاصلخیزی |

| نام حیوان | نام سوره | نام آیه | رمز |
|------------------|----------|---------|---------------------|
| سبع عجاف | یوسف | ۴۳ | خشکسالی |
| العجل | بقره | ۵۱-۵۴ | نادانی، حماقت |
| العجل | نساء | ۱۵۳ | نادانی، حماقت |
| العجل | الأعراف | ۱۵۲ | نادانی، حماقت |
| العجل | الذاریات | ۲۶ | باروری |
| العجل | هود | ۶۹ | باروری |
| الحمار | بقره | ۲۵۹ | عبوت |
| الحمر | مدثر | ۵۰ | ترس، وحشت |
| الحمیر | لقمان | ۱۹ | حماقت |
| الحمار | جمعه | ۵ | حماقت |
| فیل | فیل | ۱ | اقتدار و تکبر نابجا |
| الإبل | الغاشیة | ۱۷ | استقامت و پایداری |
| الإبل | انعام | ۱۴۴ | پایداری |
| قرده | بقره | ۶۵ | پلیدی |
| قرده | اعراف | ۱۶۶ | پلیدی |
| قرده | مائده | ۶۰ | پلیدی |
| الخنزیر | انعام | ۱۴۵ | پلیدی |
| الخنزیر | بقره | ۱۷۳ | ناپاکی |
| الخنزیر | مائده | ۳ | ناپاکی |
| الخنزیر | مائده | ۶۰ | مائده |
| قسوة (شیر درنده) | مدثر | ۵۱ | سنگدلی |
| بعیر | یوسف | ۶۵ | کینه توزی |
| ناقة | شعراء | ۱۵۵ | نادانی، حماقت |
| ناقة | شمس | ۱۳ | نادانی، حماقت |
| ناقة | الاعراف | ۷۳ | باروری |
| ناقة | هود | ۶۴ | کینه توزی |
| ناقة | الاعراف | ۷۷ | کینه توزی |
| ناقة | قمر | ۲۷ | کینه توزی |
| ناقة | الأسراء | ۵۹ | کینه توزی |

سال هفتم

شماره دوم

پیاپی: ۱۳

پاییز و زمستان

۱۴۰۲

| نام حیوان | نام سوره | نام آیه | رمز |
|------------|----------|----------|---------------------|
| بحیره | مائده | ۱۰۳ | نادانی |
| سائبه | مائده | ۱۰۳ | نادانی |
| ضفادع | الاعراف | ۱۳۳ | دفینه |
| ضأن، المعز | انعام | ۱۴۳ | استثمار، سرمایه نیک |
| الغنم | انعام | ۱۴۶ | سرمایه |
| بحیره | مائده | ۱۰۳ | نادانی |
| نعجه | ص | ۲۴-۲۳ | سرمایه |
| غنم | انبیاء | ۷۸ | سرمایه نیک |
| معز | انعام | ۱۴۳ | سرمایه |
| الذئب | یوسف | ۱۷-۱۴-۱۳ | طمع |
| کلب | کهف | ۲۲ | فحش و بددهنی |
| کلب | اعراف | ۱۷۶ | فحش و بددهنی |
| کلب | کهف | ۱۸ | وفاداری |
| مکلبین | مائده | ۴ | جرات |
| الخیل | نحل | ۸ | تکبر |
| البغال | نحل | ۸ | مقاومت |
| الحمیر | نحل | ۸ | مقاومت و حماقت |
| رباط الخیل | انفال | ۶۰ | توانایی جنگی |
| الخیل | نحل | ۸ | تکبر |
| الخیل | أل عمران | ۱۴ | تکبر |
| الجیاد | ص | ۳۱ | تکبر |
| ذا النون | انبیاء | ۸۷ | فرخنده، خوش یمنی |
| الحوث | کهف | ۶۳ | زندگی دوباره |
| ثعبان | اعراف | ۱۰۷ | قدرت و توانایی |
| حیه | طه | ۲۰ | نیروی خارق العاده |
| القمل | اعراف | ۱۳۳ | آلودگی |
| الفراش | قارعه | ۴ | اضطراب |
| سلوی | مائده | ۵۷ | پیروزی، موفقیت |
| غراب | مائده | ۳۱ | شومی و بدیمنی |

| نام حیوان | نام سوره | نام آیه | رمز |
|-----------|----------|---------|-------------------------------|
| الهدهد | نمل | ۲۰ | پیام‌رسان آسمانی، خوش‌یمنی |
| الضفادع | اعراف | ۱۳۳ | نابودی |
| الجراد | اعراف | ۱۳۳ | نابودی |
| ذبابا | حج | ۷۳ | ضعف و ناتوانی |
| بعوضه | بقره | ۲۶ | ضعف و ناتوانی |
| عنكبوت | عنكبوت | ۴۱ | سستی و ضعف |
| ابابیل | فیل | ۳ | مرگ |
| نمل | نمل | ۱۸ | پشتکار و تلاش |
| نحل | نحل | ۶۸ | سخت‌کوشی |

نتیجه‌گیری

باتوجه به بررسی‌های انجام گرفته نتایج زیر حاصل آمد:

- با توجه به معنای دلالتی دلالت‌های رمزی می‌توان به لایه‌های پنهان آیات قرآن کریم دست یافت، این امر مستلزم توجه به متون قدیم و معاصر و ارتباط زبانی دلالت‌های رمزی در ساختار آیات است.

- بکارگیری واژگانی که معنای رمزی آن‌ها میان ملت‌های گوناگون یکسان است، یکی از مواردی است که نشان می‌دهد قرآن تنها راهنمای مسلمانان نیست؛ بلکه راهنمایی برای جهانیان نیز است.

- تناسب معناشناسی واژگان دارای دلالت رمزی در قرآن کریم، تناسب و انسجام میان واژگان قرآن را نشان می‌دهد.

- واژگان دارای دلالت رمزی در متون پیش و متون دوره‌ی اسلام غالباً معنای رمزی خود را حفظ کرده‌اند.

- واژگان دارای دلالت رمزی در حوزه‌ی حیوانات؛ همانگونه که در معنای ظاهری خود می‌توانند دارای رابطه‌ی تقابل و ترادف باشند، در معنای رمزی نیز امکان دارد میان آنها رابطه‌ی تقابل و ترادف باشد. همچنین رابطه‌ی جانشینی میان برخی از واژگان رمزی که در بردارنده‌ی معنای ترادف هستند، وجود دارد.

- در متن قرآن همانگونه که میان معنای ظاهری کلمات رابطه‌ی ترتیب خطی، رابطه‌ی

علی و شمول معنایی وجود دارد، در واژگانی که دارای معنای رمزی هستند نیز این روابط وجود دارد.

- در قرآن کریم واژگان براساس بافت، معنا پیدا می‌کنند. بنابراین براساس بافت موقعیتی واژگان در قرآن کریم می‌توان به معنای رمزی آن‌ها دست یافت.

- برخی واژگان دارای دلالت رمزی در قرآن کریم نقش مرکزی دارند، این واژگان با توجه به موضوع و داستان‌های قرآن کریم و با بکارگیری واژگان گوناگون، معنای رمزی آن‌ها تغییر می‌یابد. به عبارت دیگر؛ محور هم‌نشینی میان واژگان دارای دلالت رمزی در قرآن کریم غالب است و واژگان مذکور با هم‌نشینی شدن با مصادر و یا اسامی گوناگون، معنای دلالتی آن‌ها تغییر می‌یابد.

کتابنامه

- قرآن کریم
- انجیل
- آذرتاش، آذرنوش (۱۳۸۳): «فرهنگ معاصر عربی-فارسی»، تهران: نشر نی، چاپ دوم.
- آهنگر، عباسعلی، میکده، اعظم (۱۳۹۵): «واکاوی زبان‌شناختی با هم‌آیی واژگان در قرآن کریم (شواهدی از سوره مبارکه اسراء، کهف، مریم، طه)»، ش ۱۰، ص ۵۸-۳۳.
- الاعشى، میمون (۲۰۱۲): «دیوان الاعشى الكبير»، قاهرة: مكتبة الآداب.
- افخمی عقدا، رضا (۱۳۹۰): «نگاهی نمادین به حضور شتر در شعر جاهلی»، ش ۱۳.
- ایزدی، پیروز (۱۳۸۷): «نشانه‌شناسی»، تهران: رهنما.
- رحیمی، امین، موسوی، سیده زهرا، مروارید، مهرداد (۱۳۹۳): «نمادهای جانوری در متون عرفانی نفس در متون عرفانی با تکیه بر آثار سنایی، عطار و مولوی»، متن پژوهشی ادبی، ش ۶۲، ص ۱۷۳-۱۴۷.
- رشیدی، هدایت (۱۳۹۲): «نمادهای جانداران در قرآن کریم»، مطالعات اسلامی و علوم قرآن و حدیث، ش ۹۰، ص ۸۸-۶۵.
- پارسا، مهدی (۱۳۸۷): «مبانی نشانه‌شناسی»، تهران: سوره مهر.
- پرچم، اعظم، شاملی، نصرالله (۱۳۸۹): «تداخل معنایی واژگان مترادف در ادبیات جاهلی و واژگان قرآن»، ش ۸۴، ص ۵۸-۳۱.
- الذبیانی، نابغه (۱۹۹۶): «دیوان النابغة الذبیانی»، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ستوده‌نیا، محمدرضا، قاسم نژاد، زهرا (۱۳۹۱): «تأثیر یافت کلام بر ترجمه قرآن کریم»، پژوهشنامه قرآن و حدیث، ش ۱۱.
- شیروانی، علی (۱۳۹۰): «نهج البلاغه»، تهران: نشر معارف.
- شریف الرضی، محمد (۱۳۷۹): «نهج البلاغه»، ترجمه: محمد دشتی، قم: انتشارات مشهور.
- صفوی، کوروش (۱۳۸۰): «از زبان‌شناسی به ادبیات»، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- _____ (۱۳۸۲): «دوره‌ی زبان‌شناسی عمومی»، تهران: ادب فکر.
- العنتیل، فوزی (۱۹۶۵): «الفلكلور ما هو؟»، قاهرة: دارالمعارف.
- مشکوة الدینی، مهدی (۱۳۷۶): «سیر زبان‌شناسی»، ش ۱۵۳، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- موسوی بفرویی، محمد (۱۳۸۹): «ترجمه اشعار المجانی الحدیثه»، سمنان: دانشگاه سمنان.

Bibliography

- Holy Quran
- The Bible
- Afkhami Aghda, Reza, (2010), "A symbolic view of the presence of camels in Jahili poetry", Vol. 13.
- Ahangar, Abbas Ali, Mikdeh, Azam, (2015), "Linguistic analysis with word matching in the Holy Qur'an (evidence from Surah Mubarakah Israa, Kahf, Maryam, Taha)", Vol. 10, pp. 33-58.
- Al-Antil, Fawzi, (1965), What is Folklore?, Cairo: Dar Al-Maaref.
- Azartash, Azarnosh. (1383). Contemporary Arabic-Persian culture, second edition, Tehran, Nei Publishing House.
- Izadi, Pirouz, (1387), Semiotics, Volume 1, Tehran: Rahnama.
- Meshkat Oldini, Mahdi, (1376), Linguistic History, Vol. 1, No. 153, Mashhad: Ferdowsi University Publications.
- Mousavi Bafroubi, Mohammad, (2010), translation of al-Mujani poems, Vol. 1, Semnan: Semnan University.
- Parkhum, Azam, Shamali, Nasrallah, (2009), "Semantic interference of synonymous words in Jahili literature and the words of the Qur'an", Vol. 84, pp. 31-58.
- Parsa, Mehdi, (2007), Basics of Semiotics, Tehran: Surah Mehr.
- Rahimi, Amin, Mousavi, Seyedah Zahra, Marwarid, Mehrdad (2013), "Animal Symbols in Mystical Texts, Self in Mystical Texts Based on the Works of Sanai, Attar and Molvi", Literary Research Text, Vol. 62, pp. 147-173
- Rashidi, Hedayat, (1390), "Symbols of living things in the Holy Quran", Islamic Studies and Sciences of Quran and Hadith, p.90. pp. 65-88.
- Sharif Al-Radhi, Muhammad, (1379), NahjOl-Balaghah, translator: Muhammad Dashti, Qom: Mashhoor.
- Sotoudeh Nia, Mohammad Reza, Qasim Nejad, Zahra, (1391), "The Influence of Baft Kalam in Translating the Holy Qur'an", Pzhoheshnameh of the Qur'an and Hadith, p. 11.
- Al-Asha, Maymoon, (2012), Diwan Al-Asha the Great, Cairo: Library of Arts.
- Al-Dhubyani, Nabigha (1996), Diwan Al-Nabigha Al-Dhubyani, Beirut: Scientific Books House.
- Safavi, Korosh, (2008), From Linguistics to Literature, Volume 1, Tehran: Islamic Culture and Art Research Institute Publications
- . -----,----- (1382)), Journal of General Linguistics, Volume 2, Tehran: Adab Fekar.
- Shirvani, Ali, (2010), Nahj ol-Balagheh, Vol. 1, Tehran: Nashre maarif.



سال هفتم
شماره دوم
پیاپی: ۱۳
پاییز و زمستان
۱۴۰۲